

## چکیده

اینطور می توان بیان کرد که بهترین بازدهی در سطح جامعه از آموزش در سنین کودکی و نوجوانی حاصل می شود. آموزش هنر و دغدغه های فرهنگی نیز برنامه ریزی و مدیریت فرهنگی را برای نسل آینده می طلبند. موسسات فرهنگی و هنری در این بین می توانند مهمترین نقش را در مسله پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان بر عهده گیرند. طبق بررسی های انجام شده، به نظر می رسد در طراحی بسیاری از انواع فضاهای آموزشی، به جنبه های روحی و روان شناسی دانش آموزان کمتر توجه می شود. به نظر روان شناسان محیط، محیط های آموزشی باید به گونه ای طراحی شود که یادگیری در آن آسان و خوشایند باشد. نیاز روز افزون کشور ما به گسترش فضاهای آموزشی همگام با افزایش جمعیت و عدم کفايت فضاهای موجود، یکی از مشکالت اساسی جامعه است که بایستی بدان پرداخته شود. اما اغلب فضاهای آموزشی کودکان در کشور ویژگی های دور بودن، گشایش، جذابیت و سازگاری الزم را با ویژگی های روان شناختی کودکان و نوجوانان ندارند و بدین لحاظ می توانند بر عملکرد اجتماعی و رفتاری و همچنین نگرش و بینش آنها نسبت به تحصیل و در نتیجه پرورش و ارتقای خلاقیت تأثیرگذار باشند.

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بوده که هدف آن طراحی فرهنگسرای کودک و نوجوان با رویکرد ارتقا خلاقیت است. برای انجام نمونه گیری از فرمول کوکران استفاده شد. جامعه آماری پیشنهادی ۱۰۰ نفر بوده که بر طبق این فرمول از ۷۹ نفر پرسش به عمل آمد. از آنجا که پرسش نامه به صورت Google Doc اینترنتی توزیع شد، به همین جهت روش آماده سازی و تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار Google Doc بهره گیری شد. لازم به ذکر است که این پرسش از افراد و مربیانی که با کودکان در ارتباط بوده اند، به عمل آمد. نتایج نشان داد که اولویت بندی افراد در رابطه با عوامل کالبدی چنین بود که بیشترین انتخاب برای آنها، استفاده از فضاهای باز و استفاده از رنگ بوده است.

**کلیدواژه :** خلاقیت، موسسات فرهنگی هنری، روان شناسی، فضاهای آموزشی کودکان